

تدوین الگوی خطمشی‌گذاری فضای مجازی کشور

سید مهدی الوانی^۱ * حسین خنیفر^۲ * حامد حاجی ملامیرزایی^۳

چکیده

در این مقاله سعی شده با به‌کارگیری روش تحقیق کیفی از نوع گراند تئوری، الگوی خطمشی‌گذاری فضای مجازی تبیین و ارائه شود. سؤال اصلی عبارت است از: الگوی مناسب خطمشی‌گذاری فضای مجازی در کشور چگونه است و چه مدلی (مدل مفهومی پیشنهادی) را می‌توان از این مطالعه ترسیم کرد؟ بی‌شک از آنجایی که از اسفندماه ۱۳۹۰ با حکم مقام معظم رهبری شورای عالی فضای مجازی ایجاد شد، می‌توان مدل خطمشی‌گذاری آن را ترکیبی از مدل فرایندی و شبکه‌ای تلقی کرد. در این مقاله ضمن تحلیل ادوار خطمشی‌گذاری فضای مجازی کشور، سعی شده است مدل مفهومی و درعین حال واقعی و قابل اجرا برای خطمشی‌گذاری فضای مجازی ترسیم و ارائه شود.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، خطمشی، خطمشی‌گذاری، روش کیفی و مدل مفهومی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره سیزدهم • زمستان ۹۳ • صص ۷۵-۱۰۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۸/۳

۱. استاد دانشگاه تهران (alvani@ut.ac.ir).

۲. استاد دانشگاه تهران (khanifar@ut.ac.ir).

۳. دکترای تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران نویسنده مسئول (ha.mirzaie@ut.ac.ir).

مقدمه

یکی از عرصه‌های عمومی که امروزه جوامع را تحت تأثیر خود قرار داده، عرصه فضای مجازی است. به عبارت دیگر از آنجا که عرصه فضای مجازی، یکی از عرصه‌های عمومی تلقی می‌شود و نادیده گرفتن آن از سوی دولت‌ها منجر به تضییع حقوق مشترک انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظف به سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی در این خصوص هستند. این مسائل می‌توانند یا ناظر به ساحت عینیت باشند که آن را سیاست‌گذاری عینیت‌گرا می‌نامند و یا ناظر به ساحت آرمان‌ها و اهداف دراز مدت پیش روی جامعه باشند که آن را سیاست‌گذاری آرمان‌گرا نامیده‌اند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۶۸). بی‌تردید پرداختن به شیوه‌های مواجهه با فضای مجازی و ابعاد گسترده و متنوع آن، امری ضروری است که خود نیازمند ساختار خط‌مشی‌گذاری یکپارچه، هماهنگ و متمرکز است تا از یک سو موازی‌کاری‌های پرهزینه و زمان‌بر را اصلاح کرده و از سویی دیگر با ارائه تقسیم‌کار و ماموریت‌ها در این حوزه، سازوکار بهینه‌ای در جهت شناخت موضوعات و مسائل فضای مجازی و ارائه راه‌حل‌های مناسب برای مواجهه فعال و خردمندانه کشور به‌دست آید.

در حقیقت نهادهای متولی امر خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور طی سال‌های گذشته همواره دچار نوعی همپوشانی در وظایف و مسئولیت‌ها بوده‌اند که این همپوشانی‌ها مانع برخورد مناسب و جامع برای به‌کارگیری از فرصت‌های آن و حفظ جامعه از آسیب‌ها و تهدیدهای آن بوده است. تحقیق حاضر برآن است تا سیاستمداران و خط‌مشی‌گذاران فضای مجازی را نسبت به فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی به‌منظور تصمیم‌گیری و مواجهه نسبت به فضای مجازی که طی حکم مقام معظم رهبری در تشکیل شورای عالی فضای مجازی باید به‌صورتی منسجم و هماهنگ باشد، بیش از پیش آگاه سازد. مواجهه خردمندانه و متناسب با فرهنگ اسلامی و ایرانی است که ضمن پیشرفت در عرصه فناوری، جامعه را از پیش‌فرض‌های فرهنگی و ارزشی پنهان و نهفته در آن حفظ و آگاه سازد. به عبارت دیگر مواجهه با فناوری‌های فضای مجازی باید همراه با این دغدغه باشد که چطور

این فناوری قرار است آینده فرهنگی، تاریخ و سایر شئون فرهنگی کشور و نسل معاصر و آینده را تحت تأثیر و یا آسیب قرار دهد. گسترش فضای مجازی با ابزارهای متنوع اطلاعاتی و ارتباطاتی خود نقش بسزایی را در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی ایفا کرده و همچون هر پدیده دیگری می‌تواند جوانب و اثرات مثبت یا منفی داشته و فرصت‌ها و تهدیداتی را بر جوامع تحمیل کند. مدیریت و خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی به‌منظور بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها و مزایای آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور، تسهیل و تسریع در ارائه خدمات گوناگون از یک طرف و صیانت از آسیب‌ها و تهدیدات آن از جانب دیگر امری اجتناب‌ناپذیر است. گستردگی و پیچیدگی فضای مجازی و مؤلفه‌های آن در سال‌های اخیر باعث شده است تا نهادهای گوناگون دولتی و غیر دولتی به جهت حساسیت موضوع و ارتباط این عرصه با مأموریت‌های آنها به انجام وظیفه و مواجهه با آن برآیند.

امر خط‌مشی‌گذاری باید از نقطه کانونی و مجرای واحد انجام گیرد تا بتواند با ایجاد هماهنگی و همگرایی بین بازیگران و ذینفعان فضای مجازی کشور مقدمات بهره‌گیری جامعه از حداکثر فرصت‌ها و پیشگیری از آسیب‌های آن را فراهم آورد. شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان نقطه کانونی متمرکز با مأموریت خط‌مشی‌گذاری، تصمیم‌گیری و ایجاد هماهنگی در این عرصه و در بالاترین سطح حاکمیتی کشور باید با شناخت و اشراف کامل و به‌روز در جهت مواجهه فعال و خردمندانه کشور با فضای مجازی و ابعاد و مؤلفه‌های آن در سطح داخلی و بین‌المللی گام بردارد (مرکز ملی فضای مجازی، ۱۳۹۰: ۱). از آنجا که نقش حاکمیتی این شورا برای خط‌مشی‌گذاری و فرمانبری سکان فضای مجازی کشور مستلزم شناخت کامل موضوع، اجزا و مؤلفه‌ها و شیوه‌های خط‌مشی‌گذاری آن است، تهیه و تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور امری ضروری است تا به دور از توصیف‌های انتزاعی و تجربی و با اشراف علمی به مواجهه با آن بپردازد. تهیه الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور همزمان با شروع فعالیت شورای عالی فضای مجازی و تأسیس مرکز ملی فضای مجازی گامی مؤثر جهت ایجاد گفتمان نظری و عملی مشترک اعضای حقیقی و حقوقی این شورا محسوب می‌شود. مقاله حاضر در تلاش است با احصای حوزه‌ها و موجودیت‌های دخیل و مؤثر بر مداخلات حکومت در فضای مجازی کشور، الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری این حوزه را پیشنهاد نماید تا از این رهگذر تحقق

اهداف و اقدامات ملی میسر شود. سؤال اصلی مورد بررسی در این مقاله عبارت است از: الگوی مناسب خط مشی گذاری فضای مجازی در کشور چگونه است و چه مدلی (مدل مفهومی پیشنهادی) را می توان از این مطالعه ترسیم کرد؟ سؤال های فرعی مورد بررسی را می توان چنین برشمرد:

۱. ابعاد و مؤلفه های مختلف فضای مجازی چیست و هر کدام چه اهمیتی دارند؟
۲. راهکار اشرافیت دولت بر بازیگران عرصه فضای مجازی در کشور چیست؟
۳. شیوه مناسب تدوین خط مشی فضای مجازی در ایران کدام است؟
۴. بهترین روش مداخله دولت برای مدیریت یکپارچه فضای مجازی چگونه است؟

۱. روش تحقیق

این پژوهش براساس مراحل روش گراند تئوری به ترتیب زیر انجام گرفته است:

- سؤالات و فرضیات تحقیق: سؤالات در گراند تئوری دارای اهمیت ویژه هستند و باعث می شوند که موضوع تحقیق محدود شده و به درستی تبیین شود. این سؤالات ممکن است از یکی از مبادی زیر انشاء گردند: ۱. فردی آگاه به موضوع و متخصص بیان مسئله نماید، ۲. از بررسی ادبیات موضوع حاصل شود و ۳. نتیجه تجربه شخصی یا حرفه ای محقق باشد (ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: ۳۹). در تحقیق حاضر سؤال تحقیق به دنبال پیشنهاد صاحب نظرانی همچون دکتر الوانی و تجربه کاری محقق در موضوع تحقیق پدید آمده است.

نظریه بنیادی به دنبال کشف موضوع است، لذا محقق در پی پاسخ به این سؤال است که «اینجا چه می گذرد؟». محقق در این روش با بررسی دقیق ادبیات نظری به بینشی دست می یازد که او را در ادامه تحقیق با دقت نظر در کسب داده ها و بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات یاری می رساند. این بینش را به اصطلاح، حساسیت نظری می نامند. همچنین حساسیت نظری ضامن بنیادی بودن، غنی بودن و منسجم بودن تحقیق است (همان: ۴۰).

- منابع جمع آوری داده: این منابع در روش نظریه بنیادی دو گونه هستند: بخشی حاصل جمع آوری و ثبت و ضبط مصاحبه ها و بخش دیگر تجارب شخصی، ادبیات موجود و تحلیل و مقایسه آنهاست. در این پژوهش بخش عمده ای از اسناد سیاست گذاری و توسعه خط مشی های فضای مجازی و فناوری اطلاعات و ارتباطات جمع آوری شده است. همچنین مقالات و آمارهای بین المللی در خصوص سیاست گذاری فضای مجازی و

مؤلفه‌های آن مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از الگوهای انجام شده در حوزه‌های دیگر، سعی دارد نقاط قوت مدل‌های خط‌مشی‌گذاری در سایر حوزه‌ها را شناسایی کرده و به کار بندد. بررسی کتب و مقالات جمع‌آوری شده در خصوص فلسفه فناوری و راه‌حل‌های مواجهه با آن، یکی دیگر از ادبیات تحقیق مرتبط با مسئله بوده است. بررسی ادبیات تحقیق، مصاحبه‌ها، آگاهی و تجربه محقق نشان می‌دهد که فضای مجازی کشور از فقدان مدل خط‌مشی‌گذاری رنج می‌برد، بنابراین سعی شده تا به مواردی که در ادبیات تحقیق نادیده گرفته شده توجه شود، که این خود یکی از دلایل استفاده از روش تحقیق نظریه‌بنیادی به شمار می‌رود.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها: در این مرحله فرایند اصلی ساخت نظریه شکل می‌گیرد که طی آن به سه طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت می‌گیرد. در کدگذاری باز داده‌ها به کوچک‌ترین واحد خود شکسته می‌شود و در آن به جملات و گزاره‌های به‌دست آمده کدهای می‌شود. نتایج این بخش از فرایند تحلیل نام‌گذاری و طبقه‌بندی مفاهیم است. به عبارت دیگر محقق در تلاش است براساس داده‌های جمع‌آوری شده از ادبیات موضوع و مصاحبه‌ها حداکثر گزاره‌های ممکن را احصا کرده و در آنها مفهوم یا مقوله‌ای را جست‌وجو کند (خنیفر، ۱۳۸۹: ۳۹۶). برای این نوع کدگذاری روش‌های مختلفی وجود دارد: ۱. تحلیل مصاحبه و مشاهدات اولیه با تحلیل خط به خط، ۲. کدگذاری با جمله یا پاراگراف: در اینجا محقق به دنبال این است که چه ایده‌آسانی در این گزاره نهفته است و ۳. گرفتن یک سند کامل با مشاهده یا مصاحبه: در اینجا محقق باید در پی وجه تمایز این سند با اسناد قبلی را بیابد و کدگذاری نماید (ایمان و محمدیان، پیشین: ۴۳).

در گام بعدی کدگذاری محوری انجام می‌گیرد. در این مرحله مفاهیم استخراج شده در مرحله قبل به هم پیوند می‌خورند به بیان دیگر بعد از آنکه در مرحله قبل کلیه مفاهیم استخراج و طبقه‌بندی شدند، در این مرحله به سوی هم کشانده شده و میان آنها ارتباط ایجاد می‌شود. بنابراین داده‌هایی که در مرحله قبل شکسته شده بودند، در این مرحله دوباره جمع‌آوری می‌شوند. این بخش خود شامل چند اقدام اصلی است: ۱. نشان دادن خصوصیات یک طبقه‌بندی و ابعاد آنچه با کدگذاری باز شروع شده است، ۲. تشخیص شرایط، کنش‌ها، پیامدهای متنوع که با پدیده‌ها مرتبط هستند، ۳. ربط دادن طبقه‌بندی‌ها به هم و ۴. جست‌وجو در داده‌ها که مشخص کند چگونه طبقه‌بندی‌های اصلی با همدیگر

مرتبط می‌شوند (همان: ۴۴).

در بخش نهایی کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. این نوع کدگذاری در واقع نوعی ادغام و تصحیح نظریه است، در این مرحله طبقات به طبقه مرکزی مرتبط می‌شوند و نظریه را شکل می‌دهند. در این سطح محقق به دنبال یک فرایند است (خنیفر، پیشین: ۳۹۹).

- طراحی مدل: از این مرحله داده‌ها به نظریه تبدیل می‌شوند. به بیان دیگر فرایند نظریه‌سازی از اولین تحلیل‌ها آغاز شده و تا آخرین مراحل تکامل می‌یابد. در این مرحله در ادامه کدگذاری انتخابی طبقه مرکزی یا درونی با معیارهای زیر تشخیص داده می‌شود:

۱. مرکزی باشد؛ تمام طبقات دیگر به آن مرتبط باشند، ۲. در داده‌ها به صورت مداوم ظاهر شود. به عبارت دیگر، در تمامی موردها شاخص‌هایی باشند که به طبقه مرکزی برگردند، ۳. ارتباط دادن با طبقه بندی‌ها منطقی و با ثبات باشد، ۴. نام یا عنوانی که برای توصیف طبقه‌بندی مرکزی استفاده می‌شود باید به حد کافی تجربیدی باشد تا بتواند برای تحقیق در دیگر حوزه‌ها استفاده شود و یک نظریه کلی حاصل شود و ۵. نظریه را در اعماق مراحل انجام یافته رشد و تکامل دهد (ایمان و محمدیان، پیشین: ۴۵).

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

فضای مجازی با ابزارهای متنوع و گسترده اطلاعاتی و ارتباطی از یک طرف فرصت‌های جدیدی را برای رشد و توسعه کشورها در سراسر دنیا به وجود آورده و از سوی دیگر شناخت تهدیدات و چالش‌های آن در مدیریت و تدوین خط‌مشی‌های آن ضروری است (محمودی میمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱۷). فضای مجازی با ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون خود جوامع امروزی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، کسب و کار، خدمات عمومی، روابط اجتماعی تحت تأثیر قرار داده است (OECD, 2009; EU ICT, 2006). رامسی و همکارانش معتقدند: شرکت‌ها با استفاده از فضای مجازی می‌توانند هزینه‌های ناشی از تراکنش، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات، کنترل موجودی و کنترل کیفیت را کاهش دهند (Ramsey, 2003: 64-250).

خط‌مشی‌های فضای مجازی می‌توانند با تأکید بر یادگیری، پژوهش و توسعه،

1. http://ec.europa.eu/enterprise/sectors/ict/files/icttf_report_en.pdf
2. <http://www.oecd.org/sti/sci-tech/43281062.pdf>

آموزش، کارآموزی، تشویق صنایع نوزاد و حقوق مالکیت معنوی باعث پیشرفت کشورهای در حال توسعه شوند (سرکیسیان، ۱۳۸۴: ۱۵). تدوین الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی باید بیانگر تعامل بهینه، همسو و هم‌افزا بین نهادها، محرکه‌ها و توانمندی‌ها باشد و براساس شناخت کامل و جامع از کلیه عوامل و متغیرهای اثرگذار در فضای مجازی تهیه و تدوین شود (حاجی‌حسینی، ۱۳۸۳: ۱۴-۵).

فضای مجازی امروزه، همه ابعاد زندگی ما را در بر گرفته است و بخش زیادی از ارتباطات ما و اشتغالات ذهنی و فکری ما با ابزارهای این حوزه سروکار دارد. این حوزه، به علت گستردگی و نفوذ بین‌المللی آن و تأثیرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، پای دولت‌ها را نیز به میان کشیده است. به بیان دیگر از آنجا که عرصه فضای مجازی، یکی از عرصه‌های عمومی تلقی می‌شود و نادیده گرفتن آن از سوی دولت‌ها منجر به تضییع حقوق مشترک انسان‌ها می‌شود، دولت‌ها موظف به سیاست‌گذاری، اجرا و ارزیابی در این خصوص هستند. بی‌شک حقوقی همچون عدالت در دستیابی به اطلاعات، سرویس‌های اینترنتی و خدمات و امنیت کاربران در فضای مجازی از جمله موجهات ورود دولت‌ها به این عرصه خطیر است.

بسیاری از تحقیقات در زمینه خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی در کشور معطوف است به مقررات، آیین‌نامه‌ها و قوانین مربوط به فضای مجازی، در حالی که با توجه به تکثر و تعدد جوانب و ابعاد گوناگون فضای مجازی و نهادهای متولی آن در کشور، تحقیق پیرامون مدل‌ها و الگوهای خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی به منظور ارتقای کیفیت و یکپارچه‌سازی مدیریت آن امری ضروری است (محمودی میمند و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱۷).

به نظر چیانگ، فضای مجازی به عنوان یک فناوری پیچیده و پیشرفته نیازمند راهبردهای مناسب و خاص برای توسعه در جامعه است که برخی از این راهبردها عبارتند از: ۱. هدایت منابع انسانی و مالی به سوی فضای مجازی، ۲. تمرکز بر حمایت و پشتیبانی از شرکت‌ها در حوزه فضای مجازی و ۳. کوشش در جهت بهره‌گیری از کاربردی نمودن فضای مجازی در زمینه‌های مختلف (Chiang, 1998: 1-23).

مطالعه خط‌مشی‌های فضای مجازی در کشورهای گوناگون ضمن کمک به درک مفهوم خط‌مشی‌گذاری در هر کشور، نقش مؤثری در شناخت ابعاد فضای مجازی و ارائه

مدل مفهومی خط مشی گذاری آن در کشور خواهد داشت. هانا، گای و آرنولد با مطالعه خط مشی های دولت ها در کشورهای مختلف به تحلیل چارچوب مفهومی خط مشی های فناوری اطلاعات می پردازند. در تحلیل آنها سه محور عمده برای توصیف خط مشی های فناوری اطلاعات ارائه می کنند:

۱. خط مشی های خاص فناوری اطلاعات و خط مشی های مرتبط با فناوری اطلاعات؛
۲. خط مشی های خاص فناوری اطلاعات خط مشی هایی هستند که به قصد افزایش تولید و با استفاده از محصولات و خدمات فناوری اطلاعات وضع می شوند. در مقابل خط مشی های مرتبط با فناوری اطلاعات، خط مشی هایی هستند که فقط خاص فناوری اطلاعات نیستند، اما استفاده از آن را در مسیرهای گوناگون تحت تأثیر قرار می دهند، به عنوان مثال شامل برنامه های تجارت جهانی، صنعت و غیره است؛
۳. خط مشی های مداخله گر و خط مشی های عدم مداخله؛ خط مشی های مداخله گر با هدف تشویق شرکت ها به پیمودن مسیرهایی وضع می گردند که با اولویت های راهبردی دولت منطبق هستند و در مقابل خط مشی های عدم مداخله به تعیین یک اقتصاد خاص با توسعه فنی خاص نمی پردازند؛
۴. خط مشی های زایش فناوری اطلاعات، انتشار فناوری اطلاعات و اتصال؛ خط مشی های زایش فناوری اطلاعات، تولید و توسعه محصولات فناوری اطلاعات را افزایش می دهند و هدف اولیه آنها ارتقای فناوری اطلاعات و قابلیت های آن است. خط مشی های انتشار فناوری اطلاعات استفاده و کاربردهای فناوری اطلاعات را افزایش می دهند و شرکت ها را برای به دست آوردن و به کار گرفتن محصولات و خدمات جدید فناوری اطلاعات تشویق می کنند. خط مشی های اتصال هدفشان تسهیل ارتباط میان تولید کنندگان فناوری اطلاعات و مصرف کنندگان آن است (Hanna, Guy & Arnold, 1995). نهاد های سیاست گذار حوزه فاوا در کشورهای مختلف متفاوت است. به طور مثال، در کشورهای کره، غنا، چین، سنگاپور و هند، دولت مسئول خط مشی گذاری در این حوزه است، اما در کشورهایی مانند مالزی بخش خصوصی نیز همراه با دولت در فرایند خط مشی گذاری مشارکت دارد (Lallana, 2004; Meng & Li, 2002)

ژاپن راهبرد خود را جهت توسعه فاوا با عنوان «راهبرد ملی فناوری اطلاعات» اعلام کرد که براساس آن دولت باید محیطی را ایجاد می کرد که بخش خصوصی بر مبنای

نیروهای بازار بتواند از تمام پتانسیل خود استفاده کرده و ژاپن را تبدیل به کشوری با فناوری اطلاعات پیشرفته نماید. برای رسیدن به این هدف، برنامه خط‌مشی اولویت ژاپن الکترونیکی تدوین شد که نقش بخش خصوصی و دولتی به‌صورت دقیق در این برنامه مشخص شده بود و در این برنامه، بخش خصوصی نقش رهبر را بازی می‌کرد. این برنامه ۵ حوزه را هدف قرار داده است که شامل ایجاد شبکه‌های بسیار پیشرفته اطلاعات و مخابرات، ارتقای آموزش و یادگیری جهت توسعه منابع انسانی، ایجاد تسهیلاتی برای تجارت الکترونیکی، دیجیتالی نمودن مدیریت و کاربرد فناوری اطلاعات در دیگر بخش‌های دولتی، و اطمینان از امنیت شبکه‌های پیشرفته اطلاعات و مخابرات است. ژاپن همچنین راهبرد ارتقای کاربری فناوری اطلاعات، راهبرد ژاپن الکترونیکی، و نیز ایجاد جامعه شبکه اطلاعاتی و مخابراتی را در پیش گرفته است (Lallana, 2004).

در استرالیا از راهبرد مشارکت شرکت‌های چندملیتی و توسعه صادرات برای توسعه فاوا استفاده شده است (Australian Society Computer, 2002). پرو، طرح‌های جاه‌طلبانه‌ای در خط‌مشی‌های توسعه فاوا دارد. تمرکز این کشور بر بهبود زیرساخت پیشرفته فاوا به‌ویژه مناطق روستایی است که با مشارکت بخش خصوصی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی، و شرکت‌های چندملیتی اجرا می‌شود (Ferrer, 2009: 161-170). برخی از خط‌مشی‌هایی که دولت ویتنام جهت توسعه فاوا در پیش گرفته است، شامل مشارکت بخش خصوصی در خدمات رسانی، مدرن کردن مدیریت دولتی بخش فناوری اطلاعات، توسعه تجارت الکترونیکی و دولت الکترونیکی، حمایت از صنعت نرم‌افزار، و مشوق‌ها و مزایای مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه است (Elmer, 2002).

کشورهای در حال توسعه در برقراری ارتباط میان صنعت فاوا و راهبردهای اقتصادی با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. همچنین، امروزه می‌توان روند روشن آزادسازی فاوا را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده کرد. این کشورها دریافته‌اند که مقاومت در برابر بازارهای جهانی غیرممکن است. با توجه به راهبردهای توسعه صنعت فاوا، نبرد قدیمی میان دو رویکرد جان‌شینی واردات و توسعه صادرات، در این کشورها ادامه خواهد داشت، ولو اینکه سنگاپور و تایوان و کره جنوبی در اتخاذ رویکرد توسعه صادرات برای توسعه صنعت فاوا موفق بوده‌اند. در کشورهای بزرگ مانند چین و هند، صنعت فاوا موتور درونی برای تغییر ساختار اقتصادی خواهد شد (Meng & Li, 2002: 275-295).

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته در ایران، تدوین مدل‌های خاص هر بخش برای توسعه فناوری اطلاعات ضروری است و باید سیاست‌گذاران اهتمام بیشتری به این امر داشته باشند (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۸-۵۷). همچنین در پژوهشی بر ضرورت بومی‌سازی مدل‌های توسعه فاوا کشورهای پیشرفته و انطباق آنها با شرایط و اهداف کشور تأکید شده است (حنفی زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۳-۵۲).

در پژوهشی متغیرهای اقتصادی مؤثر بر توسعه فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه بررسی شده‌اند که این توسعه را تابعی از چهار عامل طرف تقاضا دانسته‌اند. این چهار عامل عبارتند از: درآمد (سرمایه‌گذاری بیشتر حاصل از منابع مالی)، درآمد خارجی (کانال‌های صادرات و واردات)، ساختار صنعتی اقتصادی (بزرگی بخش خدمات در اقتصاد) و سرمایه انسانی هستند (سبحانی و محمدی گیگلو، ۱۳۸۴: ۳۸-۱). در پژوهشی دیگر نیز تأکید بر اهمیت منابع مالی، سرمایه انسانی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، تعاملات بین‌المللی، ساختار سیاسی، مقررات کنترلی، و انتقال دانش در توسعه فاوا از طریق انتقال فناوری است (اشتریان و امامی میبدی، ۱۳۸۷: ۱۱۲-۹۹).

۳. تحلیل ادوار خط مشی‌گذاری فضای مجازی در کشور

با تحلیل سه مقطع از تجربه سیاست‌گذاری فضای مجازی در کشور در یک نگاه مقایسه‌ای به نظر می‌رسد، سه دوره در سیاست‌گذاری فضای مجازی کشور وجود دارد: ۱. دوره منتهی به اسفند ۱۳۹۰ (تشکیل شورای عالی فضای مجازی)، ۲. از تاریخ تشکیل مرکز تا کنون و ۳. آینده مطلوب سیاست‌گذاری فضای مجازی در کشور. دوره نخست، دوره‌ای است پر فراز و نشیب که طی آن نهادهای متعددی در زمینه خط مشی فضای مجازی فعالیت داشتند که تعدد و تکثر آنها، عدم انسجام و هماهنگی بین آنها باعث ایجاد یک شورای عالی در بالاترین سطح سیاست‌گذاری فضای مجازی قرار گیرد. این شورا از جانب مقام معظم رهبری به‌عنوان نقطه کانونی متمرکز برای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، و هماهنگی عرصه فضای مجازی تشکیل شد. این شورا مکلف شد تا اشراف کامل و به‌روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی داشته باشد و بر این اساس با نظارت دقیق بر اجرای مصوبات در جهت مواجهه فعال و خردمندانه کشور با فضای مجازی گام بردارد. هدف دیگر از تشکیل این شورا، بهره‌گیری از فرصت‌های فضای مجازی برای

پیشرفت همه‌جانبه کشور و برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به‌منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن است. انتظارات رهبری از شورای عالی فضای مجازی، پیرو خال‌ها و کمبودهای سیاست‌گذاری و مدیریتی آن طی دوره‌های گذشته مطرح شده است. علی‌رغم تشکیل این شورا در بالاترین سطح سیاست‌گذاری و به‌صورت متمرکز، تا کنون اقدام برجسته‌ای از تاریخ تشکیل آن شکل نگرفته است. با وجود تدوین اساسنامه برای فعالیت شورا و مرکز ملی فضای مجازی در ذیل آن این دستگاه سیاست‌گذاری، از فقدان سازوکارهای فرایندی برای پوشش نظام خط‌مشی‌گذاری خود رنج می‌برد. بنابراین مدل خط‌مشی‌گذاری مناسب برای فضای مجازی کشور می‌تواند موجب تسریع و تدقیق در فرایندهای خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری فضای مجازی در آینده مطلوب گردد.

جدول ۱. تحلیل سه دوره از تجربه سیاست‌گذاری فضای مجازی

گذشته (دوره منتهی به اسفند ۱۳۹۰)	حال (از تاریخ تشکیل شورا تا کنون)	آینده
<ul style="list-style-type: none"> • سیاست‌گذاری نامتمرکز • تعدد اسناد ملی • تعارض و تقابل بین نهادهای فعال • عدم انسجام و هماهنگی • تعدد دستگاه‌ها و همپوشانی مأموریت‌ها • موازی‌کاری دستگاه‌ها • ... 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست‌گذاری در شورای عالی • ایجاد مرکز ملی فضای مجازی • تجمیع نهادهای حساس در کنار هم • برای اقدام منسجم و هماهنگ • هم‌افزایی بین نهادها و ذی‌نفعان • دخالت اعضای حقیقی در فرایند سیاست‌گذاری • پرهیز از موازی‌کاری • نقصان در رویه‌ها و فرایندهای سیاست‌گذاری • عدم کارایی و بهره‌وری در سیاست‌گذاری • فقدان مدل‌سازی برای مواجهه خردمندانه با فضای مجازی • عدم رصد فضای مجازی • عدم اشراف • عدم سیاست‌پژوهی • فقدان نگاهت نهادی 	<ul style="list-style-type: none"> • سیاست‌گذاری فرایندی • اشراف کامل و به‌روز از طریق به‌کارگیری نظام و سیستم رصد • به‌کارگیری سیستم نظارتی برای پایش و پیگیری اجرای سیاست‌ها • به‌کارگیری نظام ارزشیابی، گزارش‌گیری عملکرد و تغییر یا خاتمه‌بخشی به سیاست‌ها • تدوین نگاهت نهادی برای تعیین مجریان کلیدی سیاست و تعیین سازوکار هماهنگی • ایجاد ارتباط و پیوند بین سیاست‌ها به‌منظور اجرای بهتر آنها • پشتیبانی سیاست‌ها با فرایند سیاست‌پژوهی

۴. تحلیل داده‌ها و ارائه مدل

پس از انجام مصاحبه‌ها به منظور استخراج مفاهیم اصلی در مرحله کدگذاری آزاد، نوار ضبط شده به طور دقیق تایپ شد. سپس تم‌های مربوط به گزاره‌های هر مصاحبه استخراج و در جداول مربوطه درج شد. نتیجه این مرحله استخراج ۱۵۱ گزاره بود که برای هر یک مفهومی به عنوان کد تعریف شد.

در مرحله بعد برای انجام کدگذاری محوری مفاهیم به دست آمده از مرحله بعد مورد تحلیل قرار گرفتند. در کدگذاری محوری، هدف، ایجاد مجموعه سازمان یافته‌ای از کدها و مفاهیم اولیه است که نتیجه بررسی دقیق و تفصیلی گزاره‌های هر مصاحبه در مرحله کدگذاری باز است. تمرکز این مرحله بیشتر بر کدها و مفاهیم است نه داده‌ها. البته ممکن است کدها و مفاهیم جدیدی نیز در این مرحله ظهور یابند، اما وظیفه اصلی، مرور و بررسی کدهای اولیه است و به سوی سازماندهی موضوعات، مفاهیم، دسته‌بندی‌ها و تعریف محور مفاهیم اصلی در تحلیل حرکت می‌کنیم. پرسش‌هایی که در مرحله کدگذاری محوری این پژوهش مطرح خواهند شد، عبارتند از:

۱. آیا می‌توان چندین مفهوم مرتبط با یکدیگر را برای ایجاد یک دسته‌بندی کلی‌تر با هم ترکیب کرد؟

۲. آیا می‌توان دسته‌بندی‌ها را درون یک توالی یا تسلسل، سازماندهی کرد؟

جداول حاصل از این مرحله از پژوهش، حاوی ۱۱ مقوله اصلی است که در مرحله انتخابی و در مدل پیشنهادی ارائه شده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. کدگذاری محوری

ردیف	مؤلفه‌ها و مفاهیم	مقوله اصلی
۱	الگوی فرایندمحور نه سیاست‌محور، الگوی چرخه‌ای خط‌مشی، ساختارگونه بودن الگو، فرایندی بودن، فرایند همراه با ایدئولوژی، شبکه‌محور بودن، ترکیبی بودن، خط‌مشی‌گذاری شبکه‌ای، منعطف بودن الگو، ارتباطی و تعاملی بودن، قابل اجرا و پیاده‌سازی بودن مدل، فرایندی بودن الگو، جریان کار و داده در الگوی خط‌مشی، شبکه خط‌مشی، مدیریت شبکه‌ای، مداخله غیرمستقیم، مرجعیت شورای عالی، تمرکز در خط‌مشی‌گذاری، ایجاد تمرکز در فرایند خط‌مشی‌گذاری، اصلاح فرایندها و نقش کارفرمایی شورای عالی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی	نقش شورای عالی فضای مجازی (الگوی فرایندی شبکه‌ای)
۲	شناخت و آگاهی سایبری، مسائل ارتباطی و محتوایی، شناخت عمیق، مسئله‌یابی از طریق رصد، آرمان‌گرایی و عینیت‌گرایی، مشارکت عمومی نظام رصد، رصد جمعی و شبکه‌ای، رصد عینی و آرمانی، دستورگذاری متعادل، رصد جامع الاطراف مسائل، نظام اشرافیت نوین، مشارکت عمومی در ارزیابی و مسئله‌یابی، مشارکت عمومی، نظام سخت‌افزار، نرم‌افزار و مغزافزار رصد، راه‌اندازی مرکز فرمان برای رصد و تحلیل و رصد مداوم	مرکز رصد
۳	خط‌مشی اعم از توسعه، احصای عقبه خط‌مشی‌گذاری، نگاه تطبیقی، تحلیل ادواری خط‌مشی، دین‌محوری، رویکرد دینی، احصای تجربیات خارجی، نگاه پژوهشی عمیق، سیاست‌پژوهی خط‌مشی، تقویت بنیه دانشی مدیران، آینده‌پژوهی در خط‌مشی‌گذاری، برآورد دینامیک اجتماعی، استفاده از تجربه سایر کشورها، بهره‌گیری از تجربه دنیا، بهره‌گیری از ظرفیت پژوهشی کشور، ارائه راهکار و پیش‌بینی سناریوهای پیش روی نظام، مطالعات تطبیقی، جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی، روندپژوهی در فضای مجازی، بهره‌گیری از تجربیات دیگر کشورها و ظرفیت‌سازی پژوهشی	پژوهشگاه فضای مجازی
۴	به اجرا درآوردن خط‌مشی، سیاست قابل اجرا، لحاظ وظایف حین تدوین، آزادی عمل مجریان در روش، ترسیم بازیگران و ذی‌نفعان، تقسیم وظایف شبکه‌ای، حضور بخش خصوصی، حضور کاربران، تعامل با شبکه ذی‌نفعان، پایش اجرای سیاست‌ها، نقش‌آفرینی حساس مرکز ملی در اجرایی شدن سیاست‌ها، عدم هماهنگی در اجرای خط‌مشی، ایجاد هماهنگی و وحدت رویه بین دستگاه‌ها، سازوکار پایش و پیگیری، تهیه نقشه تفصیلی اجرا و ایجاد هماهنگی	اجرای خط‌مشی
۵	پژوهش‌محوری، تدوین مبتنی بر پژوهش، نقش سیاست‌گذاری کمیسیون‌ها، جهت‌دار بودن فناوری و ضرورت مواجهه فعال، مواجهه خردمندانه، برخورد جاهلانه و غیر منفعل، برخورد فرهنگی با فضای مجازی، اهمیت تغذیه محتوایی، خط‌مشی مصلحانه، پرهیز از خط‌مشی امنیتی صرف و منفعل، نقش حضور افراد بی‌اطلاع، خلأ قوانین و مقررات، اهمیت وجهه دینی، استفاده فعالانه برای تبلیغ و ترویج، بومی‌سازی نظری خط‌مشی، برخورد مدبرانه، نگرش دینی در تدوین خط‌مشی، جامعیت خط‌مشی، مواجهه اجتنابی، حفظ ارزش‌ها و اخلاق و فرهنگ اسلامی ایرانی، مواجهه اثرگذار، مولد و نوآور، مواجهه خردمندانه، همسوسازی اقدامات با ظرفیت‌ها و فرصت‌های فضای مجازی، رویکرد دیالکتیکی در تدوین خط‌مشی‌ها و رویکرد برد - برد	شکل‌گیری خط‌مشی (مواجهه خردمندانه)
۶	معاونت‌های ارزیاب، شاخص‌های ارزیابی، ارزیابی عملکرد شبکه‌ها، بهبود، تغییر و خاتمه‌بخشی خط‌مشی‌ها، تحلیل هزینه - منفعت تغییر سیاست‌ها	ارزیابی خط‌مشی

ادامه جدول ۲. کدگذاری محوری

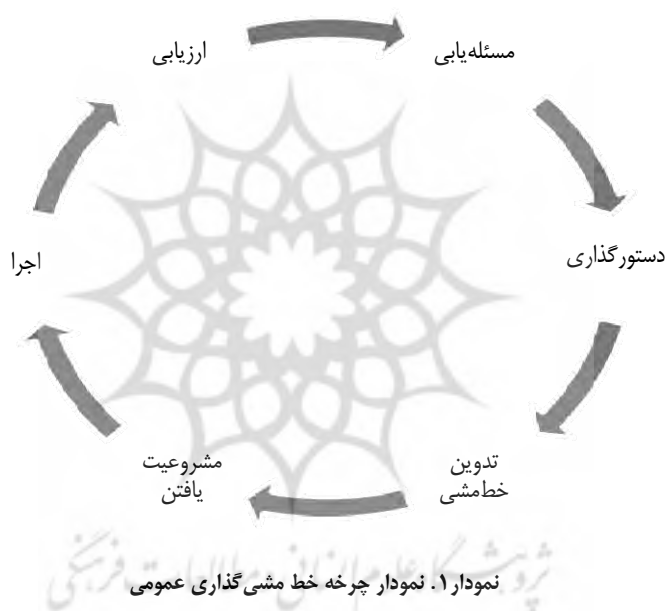
ردیف	مؤلفه‌ها و مفاهیم	مقوله اصلی
۷	مشارکت عمومی، نقش حضور مردم، نقش حضور مسئولان، جمعیت جوان کشور، ملاحظه تأثیر جریان‌های سیاسی، تأثیر دانش عمومی، ضعف بخش خصوصی، نقش و حضور عناصر انقلابی، تأثیر تحریک‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مواجهات سیاسی خصمانه، جلب کاربران از طریق در نظر گرفتن منافع آنها، اهمیت دادن به حضور مردم، تعامل با فعالان فضای مجازی، سازوکار گفت‌وگو و همکاری بین فعالان، ترسیم شبکه ذی‌نفعان و حضور مردم در فضای مجازی	شبکه ذی‌نفعان فضای مجازی در کشور
۸	تقسیم‌بندی و اولویت‌بندی مسائل، اجماع‌سازی، عدم تبیین موضوعات، ضرورت شناخت عمیق ابزارها و موضوعات، ایجاد گفتمان نظری، تفکیک و تقسیم موضوعات و دسته‌بندی کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت مسائل	مسئله‌یابی (شناخت و درک مسئله)
۹	دستور گذاری صحیح و به موقع، خط مشی به موقع و متکی به پژوهش	دستورگذاری
۱۰	فرایند مشروعیت بخشی، تبیین مبنای حقوقی و جایگاه مصوبات شورای عالی، نحوه ارتباط حقوقی و حل تعارض مصوبات شورا، قانونی کردن با رأی مجلس، حل تعارض قانونی و حقوقی مصوبات مجلس و شورای عالی، اصلاح قانون دیوان عدالت اداری، مشروعیت یافتن مصوبات شورا با حکم رهبری	مشروعیت‌بخشی
۱۱	کارگردانی دبیر شورا، مدیریت فعال، مدیریت قوی، کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و کارگروه‌ها موضوعات را بررسی کنند، بررسی روشمند مسائل در کمیته و کمیسیون‌های مرکز ملی، ایجاد توازن در رویکرد دینی و فنی، پرهیز از سوء مدیریت، مدل‌سازی خط‌مشی‌گذاری، تهیه نگاهت نهادی، ایجاد وحدت نظری و عملی و مدل‌سازی مواجهه فعال با فضای مجازی	مرکز ملی فضای مجازی

سومین مرحله کدگذاری در روش گراند تئوری، کدگذاری انتخابی است. این روش عبارت است از فراگرد انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن سیستماتیک آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۷). در این مرحله با استخراج مجموعه مقوله‌های اصلی و ایجاد ارتباط بین آنها طی فرایند یکپارچه خط‌مشی‌گذاری، در قالب مدل پیشنهادی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی عرضه می‌شود.

۴-۱. الگوی ترکیبی (فرایندی - شبکه‌ای) خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور

پیچیدگی مسائل عمومی و اجتماعی موجب دشواری‌هایی در فعالیت خط‌مشی‌گذاری می‌شود، به گونه‌ای که لازم است با استفاده از راه‌حل‌های ساده‌سازی شده به حل آنها پرداخت. وجه مشترک کلیه مدل‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی در چرخه خط‌مشی‌گذاری

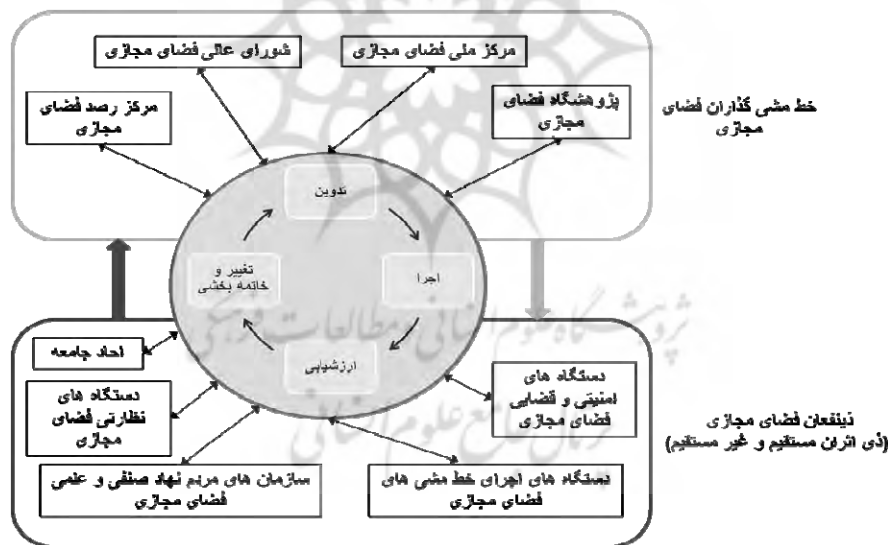
عمومی^۱ دیده می‌شود که این چرخه در صورت‌های گوناگون خود دربرگیرنده مراحل عمومی زیر است: ۱. شناخت، درک و بیان مسئله یا مشکل (مسئله‌یابی)، ۲. ارجاع و طرح مسئله در سازمان‌های عمومی (دستور‌گذاری یا تعیین دستور کار)، ۳. شکل‌گیری، تهیه و تدوین خط‌مشی عمومی، ۴. مشروعیت بخشیدن و قانونی کردن خط‌مشی، ۵. ابلاغ و اجرای خط‌مشی عمومی و ۶. ارزشیابی یا ارزیابی خط‌مشی اجرا شده (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵). این مراحل در چرخه زیر قرار می‌گیرند و به‌طور دائم منجر به بهبود یک سیاست می‌شوند:



موضوعاتی همچون رصد و سیاست‌پژوهی از لوازم قطعی برای مسئله‌یابی دقیق و تدوین صحیح خط‌مشی تلقی می‌شوند و در این دو مرحله قرار دارند. همچنین مرحله ارزیابی در برخی از مدل‌های مشابه جدای از تغییر و خاتمه‌بخشی در خط‌مشی ذکر شده است، اما در اینجا ارزیابی اعم از ارزشیابی موفقیت خط‌مشی و تحلیل‌های مربوط به عدم موفقیت و تغییر یا خاتمه‌بخشی آن است. برخی دیگر به‌طور خلاصه‌تر مراحل فوق را در سه مرحله عمده تدوین، اجرا و ارزیابی دسته‌بندی می‌کنند.

1. Policy cycle

براساس این الگو، فرایند پیشنهادی خط مشی گذاری با روش رایج در ادبیات طراحی و تولید سیستم‌ها و فرایندها نمودار جریان داده^۱ تلفیق شده و الگوی پیشنهادی اولیه را شکل می‌دهد. مدل مرجع برای گردش کار در طراحی سیستم‌ها نمودار سطح صفر^۲ است که به‌طور خلاصه در این مدل ابتدا موجودیت‌های سیستم شناسایی شده و نحوه تعامل آنها در فرایند خط مشی گذاری تعریف می‌شوند که در نهایت، با شکسته شدن فرایند کلان به فرایندهای کوچک‌تر، روند جریان کار در سیستم خط مشی گذاری را شکل می‌دهد. همانطور که در مطالعه وضع موجود خط مشی گذاری فضای مجازی مشاهده شد، موجودیت‌ها به‌طور کامل دیده نشده‌اند، همچنین تعریف و سازوکار تعامل موجودیت‌ها نیز تبیین نشده‌اند و سردرگمی در فرایند مشاهده می‌شود. خط مشی گذاری فضای مجازی در کشور با حکم رهبری از اسفند ۱۳۹۰ نمایه متمرکز پیدا کرده است، که به نوعی آن را می‌توان ترکیبی از دو مدل فرایندی و شبکه خط مشی تلقی کرد که در شکل زیر نشان داده شده است:

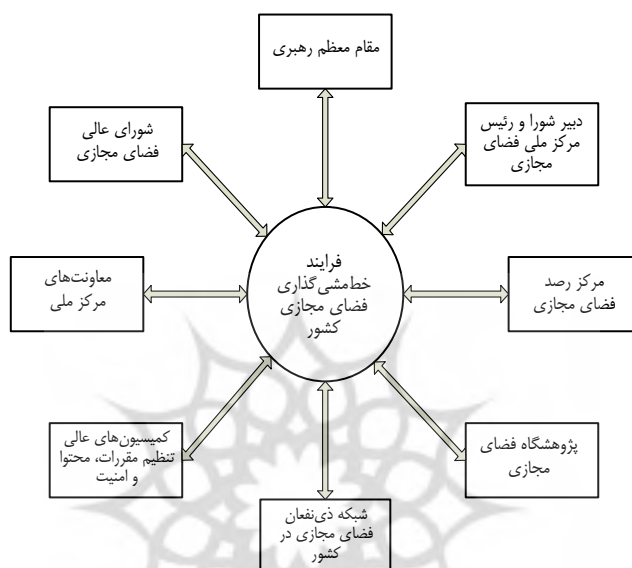


نمودار ۲. الگوی ترکیبی (فرایندی - شبکه‌ای) خط مشی گذاری فضای مجازی کشور

1. Data flow diagram
2. Context diagram

۲-۴. مدل موجودیت‌های مؤثر در فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور

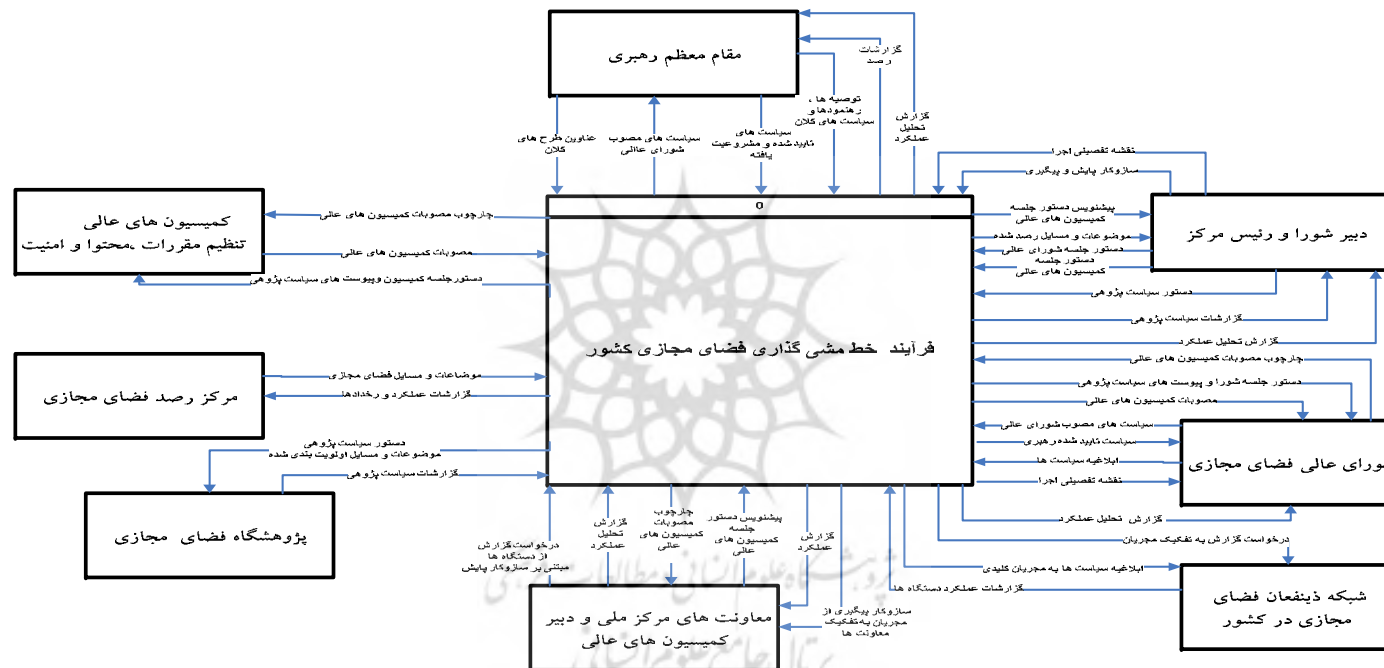
موجودیت‌های مؤثر در فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور را می‌توان در شکل زیر مشاهده کرد:



نمودار ۳. مدل موجودیت‌های مؤثر در فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی

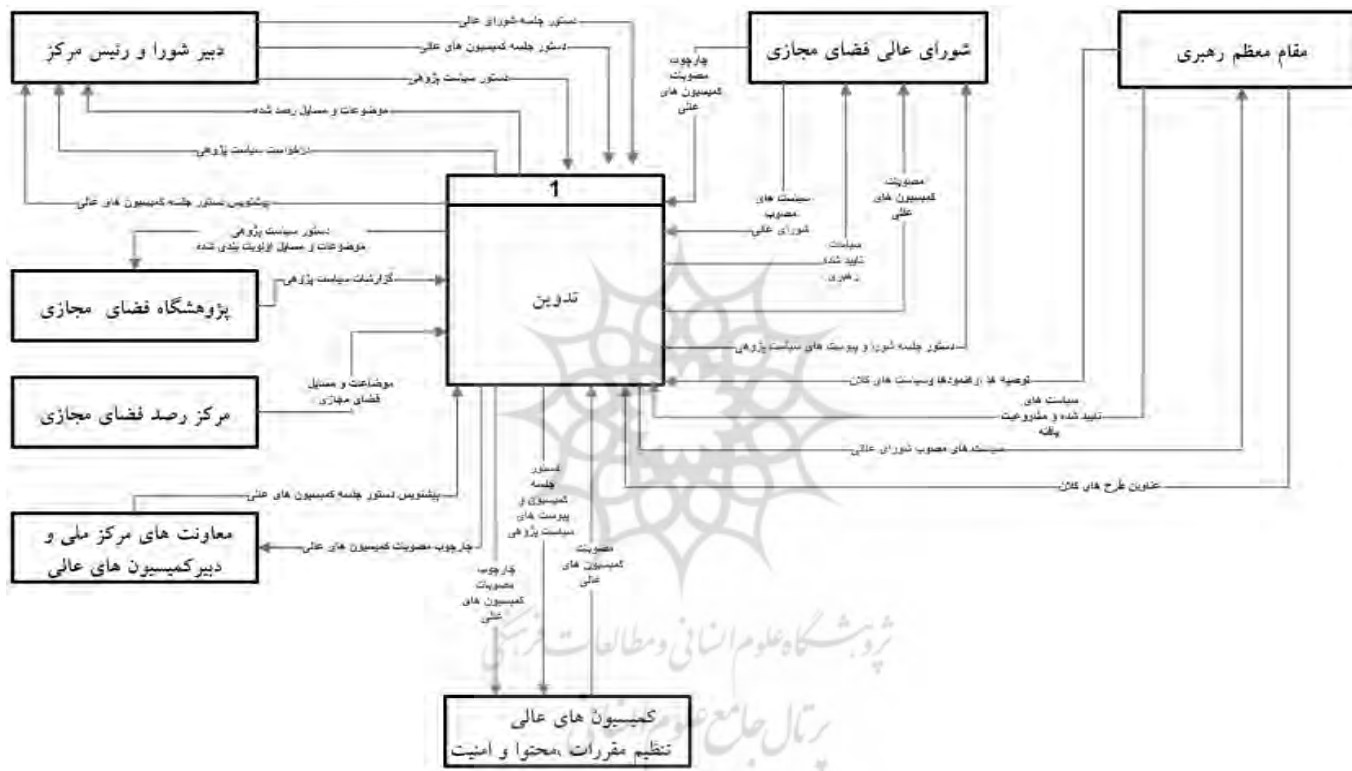
۳-۴. مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور

در مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در فرایند خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی عناصر کلیدی فعال در خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی در فرایندی یکپارچه و هماهنگ چرخه تدوین، اجرا و ارزیابی را تکمیل کرده و هر یک بخشی از این فرایند را به انجام می‌رسانند. به‌عنوان مثال از آنجا که مشروعیت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مصوب شورای عالی از طریق دستگاه رهبری نظام و از اختیارات ولی فقیه است، این بخش از فرایند مشروعیت‌بخشی توسط رهبری براساس قانون اساسی انجام گرفته و بعد توسط رئیس شورای عالی ابلاغ می‌شود. همچنین سایر اجزای این فرایند به همین صورت توسط سایر عناصر در مرحله رصد، به‌منظور مسئله‌یابی، در مرحله پژوهشگاه به‌منظور سیاست‌پژوهی، تدوین، اجرا و ارزیابی می‌شود.

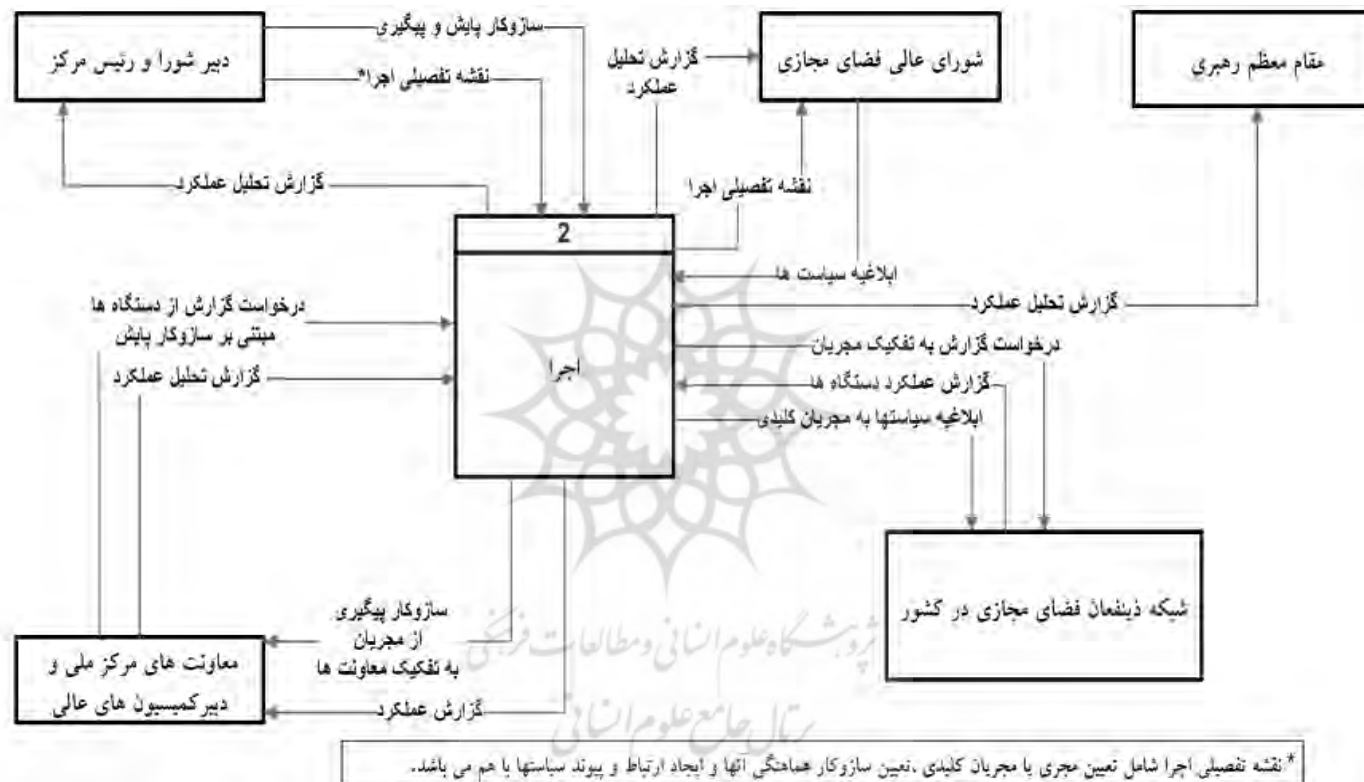


نمودار ۴. مدل تعامل موجودیت های مؤثر در فرآیند خط مشی گذاری فضای مجازی

تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور ۹۳

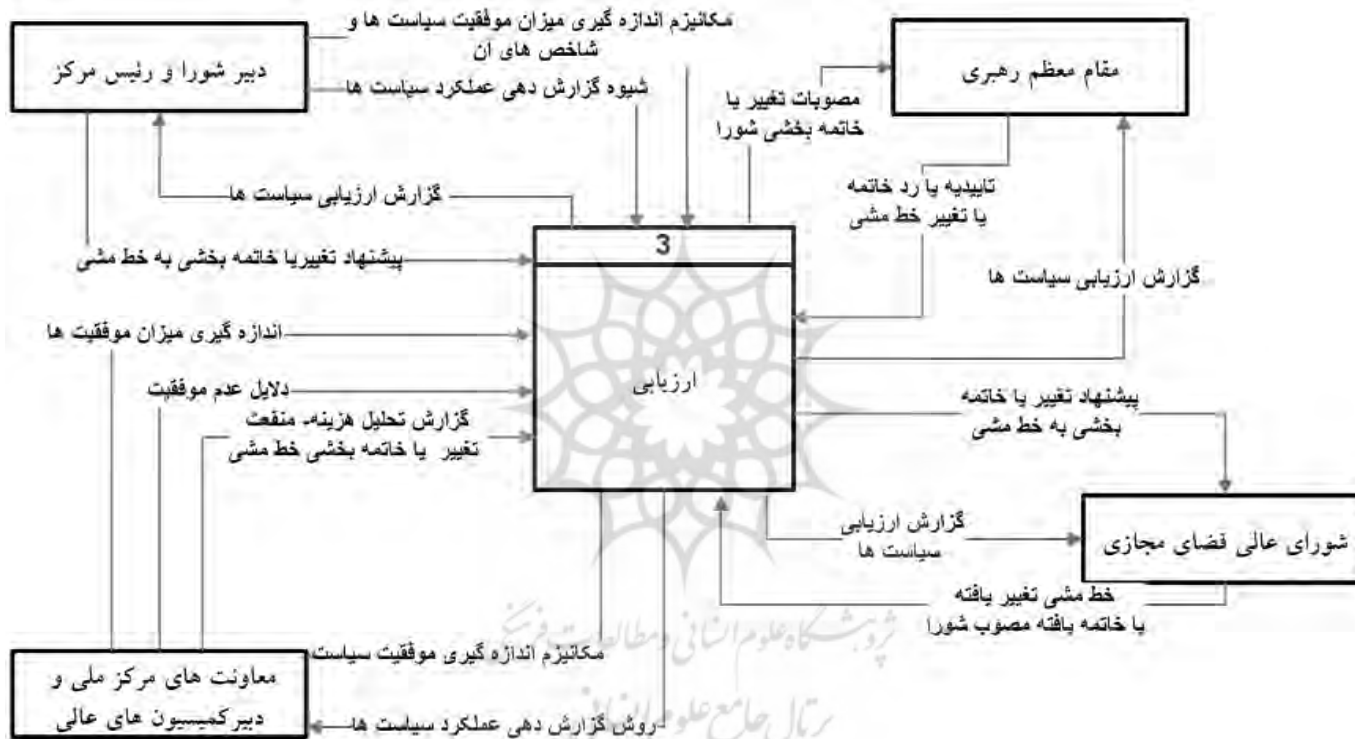


شکل ۵. مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در فرآیند تدوین خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی

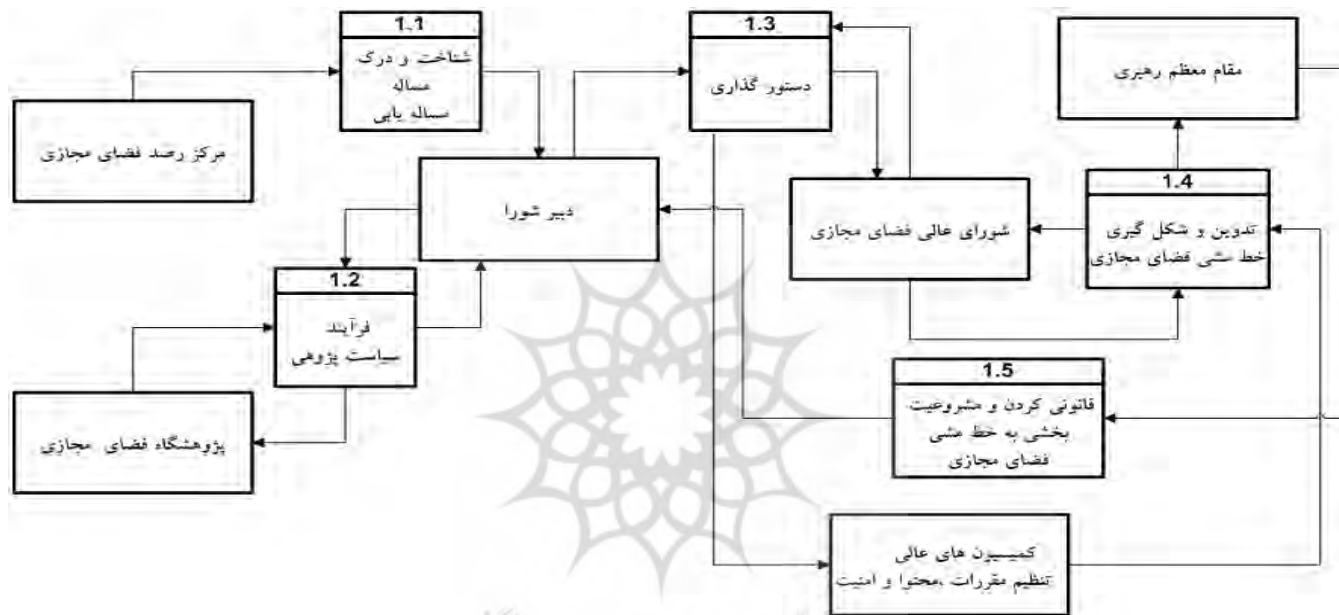


نمودار ۶. مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در فرایند اجرای خط مشی فضای مجازی

تدوین الگوی خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور ۹۵



نمودار ۷. مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در فرایند ارزیابی خط‌مشی فضای مجازی



نمودار ۸. مدل تعامل موجودیت‌های مؤثر در زیر فرایندهای تدوین خط مشی فضای مجازی

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با نگاه کاملاً کیفی انجام گرفت، چراکه در خصوص خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور مدل قابل اتکا و متقن وجود نداشت، اما مدل ارائه شده در این تحقیق می‌تواند مبنای تحقیقات کمی آینده قرار گیرد. همچنین بخش‌های اشاره شده در مدل پیشنهاد شده خود قابلیت بسط و شرح و پژوهش‌های بیشتر را دارد. به‌عنوان مثال فرایندها و سازوکارهایی که به وسیله آنها رصد اتفاقات و پدیده‌های فضای مجازی انجام گیرد و با عنایت به سرعت تغییرات و تحولات در فضای مجازی نقش بهنگام خود را در مواجهه خط‌مشی‌گذاران با این تغییرات را زمینه‌سازی نماید.

از طرف دیگر با توجه به فقدان مدل یکپارچه خط‌مشی که تمامی زوایا و مؤلفه‌های خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی را مدنظر قرار دهد، در این پژوهش سعی بر آن بود تا در گام نخست نقشه کلان خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی و مؤلفه‌ها و ابعاد آن احصا شود تا در گام‌های بعدی هر یک از عناصر و مؤلفه‌ها به‌طور مجزا ولی هماهنگ با دیگر عناصر مورد تحقیق و پژوهش بیشتر قرار گیرد. همچنین پیشنهادهایی که می‌تواند براساس یافته‌های این پژوهش باعث ارتقای سطح خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور گردد عبارتند از:

- پرهیز از خط‌مشی‌گذاری ذهنیتی و حرکت به سمت خط‌مشی‌گذاری فرایندی؛
 - حصول اشراف کامل و به‌روز نسبت به موضوعات فضای مجازی از طریق به‌کارگیری نظام و سیستم رصد؛
 - به‌کارگیری سیستم نظارتی برای پایش و پیگیری اجرای سیاست‌ها؛
 - به‌کارگیری نظام ارزشیابی، گزارش‌گیری عملکرد و تغییر یا خاتمه‌بخشی به سیاست‌ها؛
 - تدوین نگاهت نهادی برای تعیین مجریان کلیدی سیاست و تعیین سازوکار هماهنگی؛
 - ایجاد ارتباط و پیونددهی بین سیاست‌ها به‌منظور اجرای بهتر.
- با توجه به اینکه در خلال مصاحبه‌های انجام گرفته توصیه‌ها و پیشنهادات مناسبی برای خط‌مشی‌گذاری فضای مجازی کشور ارائه شد، در این بخش برخی از مهم‌ترین پیشنهادات صاحب‌نظران ارائه می‌شود:
۱. تولید دانش، مفاهیم و ابزارهای رسانه‌های اجتماعی در ساختار علمی پژوهشی

کشور؛

۲. امکان گسترده و متنوع توسعه اقتصادی (خرد و کلان)، کارآفرینی و استفاده از رسانه‌های اجتماعی در کسب و کار؛
۳. ایجاد و تأسیس روال‌های حقوقی، اخلاقی، هنجاری، ارزشی و بومی ویژه در فضای شبکه‌های اجتماعی با محوریت مخاطبان دانش‌آموز؛
۴. حمایت و توانمندسازی بخش خصوصی در تأسیس شبکه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری؛
۵. تولید رسانه‌های اجتماعی نسل جدید به صورت جذاب و رقابت‌پذیر بر اساس مبانی اسلامی و مجهز به فناوری‌های روز؛
۶. ترغیب نهادها و مبلغان دینی به حضور فعال در رسانه‌های اجتماعی به منظور تولید محتوای اسلامی - ایرانی؛
۷. اصلاح قوانین و مقررات موجود و وضع قوانین جدید، به خصوص قانون جرائم رایانه‌ای، قانون تجارت الکترونیک، شامل اسناد و ادله الکترونیک، قانون جامع رسانه‌ها، قانون امنیت داده‌های شخصی، قانون جامع اطلاعات و ارتباطات و قانون جامع حقوق پدیدآورندگان آثار و حقوق مرتبط و سایر قوانین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اشتراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
۳. اشتریان، کیومرث و راضیه امامی میبیدی (۱۳۸۷). «سیاست‌های انتقال فاوا: بررسی نقش دانش ضمنی»، فصلنامه سیاست، ۴(۳۸): ۹۹-۱۱۲.
۴. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده (۱۳۹۰). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. ایمان، محمدتقی و منیژه محمدیان (۱۳۸۷). «روش‌شناسی نظریه‌بنیادی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۴، شماره ۵۶: ۵۴-۳۱.
۶. حاجی‌حسینی، حجت‌الله (۱۳۸۳). «مبانی نظری توسعه فناوری از دیدگاه مکاتب»، فصلنامه توسعه تکنولوژی ۲(۵): ۱۴-۵.
۷. حنفی‌زاده، پیام، محسن خدابخشی و محمدرضا حنفی‌زاده (۱۳۸۶). «شناسایی راهکارهای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در دانشگاه‌های ایران»، مجله دانش مدیریت، ۷۹(۲۰): ۳۳-۵۲.
۸. خنیفر، حسین (۱۳۸۹). فلسفه علم و روش‌شناسی تحقیق، مباحث بنیادین فلسفه علم و روش‌شناسی تحقیق، جزوه دوره دکتری مدیریت دولتی، جلد دوم، دانشگاه تهران.
۹. سبجانی، حسن و اسلام محمدی گیگلو (۱۳۸۴). «برآورد تأثیر متغیرهای اقتصادی بر توسعه فناوری اطلاعات در کشورهای در حال توسعه»، مجله تحقیقات اقتصادی، ۷۱: ۳۸-۱.
۱۰. سرکیسیان، آلفرد (۱۳۸۴). سیاست تکنولوژی؛ اصول و مفاهیم تهران: مرکز صنایع نوین.
۱۱. علی‌احمدی، علیرضا، محمد فتحیان و فرزاد سلطانی (۱۳۸۵). «مدل مرجع توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات برای دانشگاه‌های ایران»، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۹(۷۳): ۸۸-۵۷.
۱۲. محمودی میمند، محمد، علی شایان ونادیا کلاتتری (۱۳۹۱). «چارچوب خط‌مشی‌گذاری توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ۲۷(۳): ۶۳۹-۶۱۷.
۱۳. مرکز ملی فضای مجازی (۱۳۹۰). حکم تشکیل شورای عالی فضای مجازی: ۶-۱.

ب) منابع لاتین

1. Australian Society Computer (2002). ICT Development in Australia, The Australian computer society national office .
2. Chiang J. (1998). 'High-technology Targeting: its modes Strategies and Paradigms', Technology in Society 20 (1): 1-23 .
3. Elmer, L. (2002). Vietnam's ICT Enabling Environment: Policy, Infrastructure and

- Applications. Vietnam: U. S. Agency for International Development Hanoi .
4. EU ICT task force report (2006). Fostering the competitiveness of Europe's ICT industry: - [http:// ec. europa. eu/enterprise/ict/policy/doc/icttf_report. pdf](http://ec.europa.eu/enterprise/ict/policy/doc/icttf_report.pdf) .
 5. Ferrer, E.(2009). 'ICT Policy and Perspectives of Human Development in Latin America: the Peruvian Experience', Journal of Technology Management & Innovation 4 (4): 161-170 .
 6. Hanna, N. , K. Guy, and E. Arnold (1995). The Diffusion of Information Technology: Experience of Industrial Countries and Lessons For Developing Countries. The international Bank for Reconstruction and Development/ The World Bank Discussion Paper No. 281. Washigton, D. C. 20433, USA .
 7. Lallana, E. (2004). An overview of ICT Policies and E-strategies of Select Asian Economies, New Delhi: A division of Reed Elsevier India Private Limited .
 8. Meng, Q. and M. Li. (2002). New Economy and ICT Development in China. Information Economics and Policy 14 (2): 275-295 .
 9. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) (2009) .Guide to Measuring The Information Society: 11: - <http://www.oecd.org/sti/sci-tech/43281062.pdf>
 10. Ramsey, E. , P. Ibbotson, J. Bell, and B. Gray (2003). 'E-opportunities of Service Sector SMEs: an Irish Cross-border Study', Journal of Small Business and Enterprise Development 10 (3): 250-64.

